التمهيد في علم المنطق

علي الشيرواني

سلسلة

التمهيد فى العلوم الاسلامية

بسم الله الرحمن الرحيم

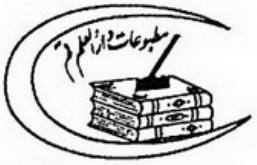

مؤسسه انتشارات دارالعلم

التمهید فی علم المنطق

تألیف: علی شیروانی

الکمیة / ۲۰۰۰ نسخه

قیمت / ۱۵۰۰ تومان

نوبت چاپ / دوم ۱۳۸۷

ناشر / مؤسسه انتشارات دارالعلم

قطع و صفحه / رقعی، ۱۴۴ صفحه

دفتر مرکزی / قم خیابان ارم، مقابل کوچه ۲۰، پلاک ۳۵۷

تلفن / ۹ - ۷۷۴۴۲۹۸ فکس / ۷۷۴۱۷۹۸ تلفن انبار / ۲۹۱۰۱۷۷

دفتر تهران / خیابان انقلاب، ۱۲ فروردین، ساختمان تجاری ناشران

طبقه همکف شماره ۱۶/۱۸ تلفن: ۶۶۹۵۵۴۰۵ - ۶۶۹۷۳۸۰۹

چاپ / شرکت چاپ قدس قم، تلفن ۷۷۳۱۳۵۴ فکس ۷۷۴۳۴۴۳

جمیع الحقوق محفوظه للناشر

شابک ۴ ـ ۰۰۹ ـ ۲۰۴ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 204 - 009 - 4

www.darol-elm@ketabeqom.com

الحلقة الاولى فى دراسة

علـم المنطـق

التمهيد

في

علم المنطق

على الشيرواني

الحلقة الثانية : المنطق

الحلقة الثالثة : منطق الاشارات

الفهرس

المدخل ١٥
المصطلحات العامّة ١٦
العلم ضروري و نظري ١٨

الباب الأول
مبأحـث الالفاظ

الدلالــة ٢٢
الدلالة اللفظية ٢٤
أنواع اللفظ ٢٨
المفرد و المركب ٣٠
أقسام المركب ٣١

الباب الثانى
مباحـث الكلى

الكلي و الجزيي ٣٦
المتواطىء و المشكك ٣٨
النسب الأربع ٣٩
الكليات الخمسة ٤٠

تقسيمات ٤٢
الذاتي و العرضي ٤٣
الخاصة والعرض العام ٤٥

الباب الثالث
التعـريـف و القسمـة

التعـريف ٤٨
نماذج من الرسم الناقص ٥٠
شروط التعريف ٥١
القسمـة ٥٤
اصول القسمة ٥٤
أنواع القسمة ٥٦
أساليب القسمـة ٥٧

الباب الرابع
القضايا و أحكامها

الفصل الاول : القضايا ٦٠
أقسام القضية ٦٠
أقسام الحملية (١) ٦٣
أقسام الحملية (٢) ٦٦
أقسام الشرطية المتصلة ٦٧
أقسام الشرطية المنفصلة ٦٨
الفصل الثانى : أحكام القضايا ٧١

التناقض ٧٢
شروط التناقض ٧٢
العكس المستوي ٧٥
عكس النقيض ٧٨
الاستدلال المباشر ٨٠

الباب الخامس
الحجة و هيئة تأليفها

القياس ٨٦
أقسام القياس ٨٨
الاقترانى الحملي ٩١
الأشكال الأربعة ٩٣
الشكل الأول ٩٣
الشكل الثاني ٩٦
الشكل الثالث ٩٨
الشكل الرابع ١٠٠
القياس الاستثنائي ١٠٤
حكم الاتصالي ١٠٦
حكم الانفصالي ١٠٧
الاستقراء ١٠٩
التمثيل ١١١

الباب السادس
الصنـاعـات الخمـس

مبادئ الأقيسة ١١٧
١ـ اليقينيات ١١٨
٢ـ المظنونات ١٢١
٣ـ المشهورات ١٢٢
٤ـ الوهميات ١٢٣
٥ـ المسلمات ١٢٤
٦ـ المقبولات ١٢٥
٧ـ المشبهات ١٢٥
٨ـ المخيلات ١٢٥
أقسام الأقيسة بحسب المادة ١٢٦
صناعة البرهان ١٢٩
صناعة الجدل ١٣٢
صناعة الخطابة ١٣٦
صناعة الشعر ١٣٩
صناعة المغالطة ١٤١
أنواع المغالطات ١٤٣

به نام خدای حکیم خِرَد دوست

امروزه رایج‌ترین کتاب برای آموزش منطق، در حوزه و دانشگاه، کتابی است که علامه محمدرضا مظفر (۱۳۲۲ ـ ۱۳۹۲ هـ. ق) به نام المنطق، تدوین نموده است. ویژگیهای المنطق را در مقدمهٔ ترجمهٔ آن کتاب، آورده‌ام و از تکرار آن در اینجا خودداری می‌کنم.

المنطق انصافاً از حسن تدوین، نگارش و تبویب برخوردار است و در آن نکات بدیع فراوانی آمده است. امّا کتابی است گسترده، با حجم حدود ٤٥٠ صفحه در قطع وزیری؛ و کتابی با این حجم برای مرحلهٔ مقدماتیِ آموزش منطق، کتاب مناسبی نیست. از این رو، بر آن شدیم کتابی تدوین کنیم با حجمی بسیار کمتر، تا پیش از المنطق خوانده شود، و درآمدی بر این علم و مدخلی بر آن کتاب باشد.

التمهید فی علم المنطق، که به این منظور و با این هدف تدوین گردید، به عبارتی، منتخب و گزیده‌ای از المنطق است و محتوا و حتی تبویب و تنظیم فصول و بابهای آن، بر اساس المنطق صورت گرفته است. اصول و مبانی این گزینش، شبیه همان اصولی است که در التمهید فی الحکمة الالهیة مورد نظر بوده و در مقدمهٔ آن کتاب مشروحاً ذکر شده است.

به طور کلی معتقدم اوّلاً: هر رشتهٔ علمی باید در طی چند مرحله آموخته شود؛ ثانیاً: برای هر مرحله کتابی متناسب با آن مرحله فراگرفته شود؛ ثالثاً: این کتابها کاملاً هماهنگ با یکدیگر باشند. فی‌المثل این گونه نباشد که در کتاب اول مبنا یا تعریفی اتخاذ شود و در کتاب دوم مبنا یا تعریفی دیگر. بلکه همان مطالب کتاب اول به نحو عمیق‌تر کتاب دوم مطرح گردد، و فروع و شاخ و برگهای آن ذکر شود. دروس فی علم الاصول نوشتهٔ آیت‌الله سید محمدباقر صدر، و مبادئ العربیة، نوشتهٔ استاد رشید شرتونی، الگوهای خوبی برای تدوین کتابهای درسی هستند، و در آنها ویژگیهای یادشده بکار رفته است.

در علم منطق، المنطق را کتاب دوم و منطق اشارات بوعلی همراه با شرح خواجه نصیرالدین طوسی را کتاب سوم در نظر گرفتم، و التمهید فی علم المنطق را به عنوان کتاب اوّل، متناسب با آن دو کتاب، تدوین کردم.

از سوی دیگر، اگرچه اصل اوّلی در آموزش علوم اسلامی آن است که متن آن به زبان عربی باشد، امّا چون نوآموزان این علوم ممکن است

گاهی در فهم عبارات با مشکل مواجه شوند، و نیز به خاطر مزایا و فواید دیگر، ترجمهٔ التمهید فی علم المنطق را نیز، با نام آشنایی با علم منطق فراهم آوردم، تا در صورت لزوم بدان مراجعه شود. آشنایی با علم منطق دارای دو پیوست است. در پیوست نخست به طور بسیار فشرده تاریخچهٔ علم منطق از آغاز تا کنون آورده شده است. و در پیوست دوم، یکی از مهمترین بحثهای منطق، بسط یافته و با شیوه‌های نوین ارائه شده است. این پیوست نوشتهٔ استاد محترم جناب دکتر لطف‌الله نبوی است، و برای نخستین بار در این کتاب منتشر می‌شود. از ایشان که با بزرگواری اجازهٔ نشر آن را به نگارنده دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

در پایان باید از فاضل ارجمند جناب حجت‌الاسلام حمید هادوی، که نگارنده را در فراهم آوردن این نوشتار یاری دادند، و نیز مدیر محترم مؤسسهٔ انتشارات دارالعلم، که اسباب نشر این مجموعه را فراهم ساختند و از هیچ مساعدتی دریغ نورزیدند، تشکر کنم.

امید که این خدمت اندک نزد باری تعالی مقبول افتد، و برای جامعهٔ فرهنگی ایران اسلامی سودمند باشد.

و آخر دعوانا ان الحمدلله ربّ العالمین.

قم ـ حوزهٔ علمیه

علی شیروانی

معرفی دورهٔ
التمهید فی العلوم الاسلامیة

به عقیدهٔ نگارنده، مجامع آموزشی ما، اعم از حوزه و دانشگاه، نیاز مبرمی به کتابهای آموزشی با سبکها و شیوه‌های نوین آموزشی دارد. این نیاز، به ویژه در زمینهٔ علوم اسلامی، بسیار چشمگیر است. چرا که با پیروزی انقلاب اسلامی، طیف وسیعی از جوانان این کشور، و بلکه جهان اسلام، در صدد آشنایی با علوم اسلامی برآمده‌اند، و باید برای آنان کتابهای متناسب تدوین شود.

نگارنده سالهاست این نیاز را دریافته و در آرزوی برداشتن گامی، هرچند کوچک، در پاسخ به این نیاز بوده است. سرانجام این ایده به تدوین مجموعهٔ عربیِ التمهید فی العلوم الاسلامیة، و دورهٔ فارسی آشنایی با علوم اسلامی منتهی شد. ویژگیهای این مجموعه از قرار زیر است:

۱ـ کتابهای این مجموعه تقریباً همگی به صورت متنی و در کمال ایجاز و اختصار تنظیم شده است، و بیشتر آنها باید با کمک استاد خوانده شود؛ به دیگر سخن، کتابهای این مجموعه، کتابهای درسی است.

۲ـ مخاطبان این مجموعه کسانی هستند که تازه می‌خواهند علوم اسلامی را فرا بگیرند. و کتابهای این مجموعه در هر عنوان، نخستین کتابی است که خوانده می‌شود.

۳ـ برای هر عنوان، یک یا دو کتاب، برای دوره‌های دوم و سوم، معرفی شده است. در واقع ایدهٔ نگارنده آن بوده است که مثلاً علم منطق را دانشجو یا طلبه باید مرحله به مرحله بیاموزد. برای مرحلهٔ اوّلِ منطق، التمهید فی علم المنطق تدوین شد، و برای مرحلهٔ دوم آن، المنطق از علامهٔ مظفر، و برای مرحلهٔ سوم، منطق اشارات، نوشتهٔ بوعلی همراه با شرح خواجه نصیر طوسی معرفی شده است.

۴ـ تلاش شده است، کتابی که در دورهٔ التمهید فی العلوم الاسلامیة یا دورهٔ آشنایی با علوم اسلامی تدوین می‌شود، کاملاً متناسب با کتاب دوم و سومی باشد که معرفی می‌شود. مثلاً التمهید فی الحکمة الالهیة، کاملاً همخوان و متناسب با بدایة الحکمة است که برای مرحلهٔ دوم در نظر گرفته شده است.

۵ـ سعی شده است در هر عنوان، کتاب، به دو زبان عربی و فارسی باشد. عربیِ آن در سلسلة التمهید فی العلوم الاسلامیة و فارسی آن در دورهٔ آشنایی با علوم اسلامی. فی‌المثل ترجمهٔ التمهید فی الحکمة الالهیة با عنوان آشنایی با حکمت الهی، عرضه شده است.

۶ـ اگر در یک موضوع کتابی یافتیم که غرض را در حدّ مطلوب تأمین می‌کند، همان کتاب را، با تصحیح و حروفچینی و صفحه‌آرایی امروزین، و در صورت نیاز همراه با مقدمه، با نام همان نویسنده در این مجموعه قرار داده‌ایم. مثلاً در عرفان عملی، منازل السائرینِ خواجه عبداللّٰه انصاری کتاب مناسبی است، لذا آن را تصحیح کرده، همراه با مقدمه‌ای حدود ۲۰ صفحه در این سلسله قرار داده‌ایم.

امید که این مجموعه مفید و سودمند واقع شود. **والسلام**

المدخل

الحاجةُ إلى المنطق

حاجتنا إلى المنطق هي تصحيحُ أفكارنا. ولو قلتم: انّ الناسَ يدرسونَ المنطق ويخطئون فى تفكيرِهم فلا نفع فيه، قُلنا لكم: إنّ الناسَ يدرسون علمي النحو والصرف، فيخطئون في نطقهم، وليس ذلك إلاّ لأنّ الدارس للعلمِ لا يحصلُ على مَلَكَةِ العلم، أو لا يراعي قواعدهُ عندَ الحاجة، أو يخطئ في تطبيقها، فيشذُ عن الصوابِ.

* * *

تعريف علم المنطق

ولذلكَ عَرفُوا عِلمَ المنطق بأنّهُ: آلةٌ قانونيةٌ تعصمُ مراعاتُها الذّهنَ عن الخطأِ في الفكرِ.

و ببيان أوضح: علمُ المنطق يعلمُكَ القواعدَ العامةَ للتفكيرِ الصحيحِ حتّى ينتقل ذهنك إلى الأفكارِ الصحيحةِ في جميعِ العلومِ، فيعلمك على أيّةِ هيئةٍ وترتيبٍ فكريٍ تنتقلُ مِنَ الصورِ الحاضرَةِ في ذهنِكَ إلى الأُمورِ الغائبةِ عنكَ.

المصطلحات العامّة

العلم

عَرَّفُوا العلمَ بأنّهُ: حُضورُ صورةِ الشَّيء عندَ العقل.

أو فقل: انطباعها في العقل، لا فرق بين التعبيرين في المقصود.

التَّصوُّر والتَّصديق

إذا رَسَّمتَ مُثلَّثاً تحدُث في ذهنك صورةٌ لَهُ، هي علمُكَ بهذا المثلث، ويسمىٰ هذا العلمُ بالتَّصوُّر. وهو تصوُّر مجرّد لا يستتبع

جزماً ولا اعتقاداً. وإذا تنبهتَ إلى زوايا المثلث تحدث لها أيضاً صورة في ذهنك. وهي أيضاً من التصوُّر المجرَّد. وإذا رسَّمت خطاً أفقياً وفوقه خطاً عمودياً مقاطعاً له تحدث زاويتان قائمتان، فتنتقش صورة الخطين والزاويتين في ذهنك. وهي من التّصوُّر المجرَّد أيضاً.

وإذا أردتَ أنْ تُقارِنَ بينَ القائمتين ومجموع زوايا المثلث، فتسأل في نفسك هل هما متساويان؟ وتشك في تساويهما، تحدُث عندَكَ صورة لنسبة التساوي بينهما وهي من التصوُّر المجرَّد أيضاً.

فإذا برهنتَ على تساويهما تحصلُ لكَ حالةٌ جديدةٌ مغايرةٌ للحالاتِ السابقةِ. وهي ادراكُك لمطابقةِ النسبة للواقع المستلزم لحكم النفس واذعانها وتصديقها بالمطابقةِ. وهذه الحالة، أي صورة المطابقة للواقع التي تعقلتها وأدركتَها، هي التي تسمىٰ بالتّصديق، لأنّها ادراك يستلزم تصديق النفس واذعانها.

اذن، ادراك زوايا المثلث، وادراك الزاويتين القائمتين، وادراك نسبة التساوي بينهما كلّها تصورات مجرَّدة لا يتبعها حكم وتصديق. أمّا ادراك انّ هذا التساوي صحيح واقع مطابق

للحقيقـة في نفس الأمر فهو تصديق.

وكذلك إذا أدركت أنّ النسبـةَ في الخبر غير مطابقة للواقع، فهذا الادراك تصديق.

بماذا يتعلق التصديق والتصوُّر؟

ليس للتصديق إلاّ مورد واحد يتعلّق به، وهـو النسبـة في الجملـةِ الخبريـة عندَ الحكم والاذعان بمطابقتها للواقع أو عدم مطابقتها. وأمّا التصوُّر فيتعلَّق بكلِّ شيء سواء كان حكماً أو غير حكـم، مفرداً أو جملـة.

العلم ضروري و نظري

ينقسم العلم بكلا قسمَيه، التصوُّر والتصديق، إلى قسمين:

١ـ **الضروري** ويسمى أيضاً البديهي؛ وهـو ما لايحتاج فـي حصوله إلى كسب ونظر وفكر، كتصوّرنا لمفهوم الوجود والعدم ومفهوم الشيء، وكتصديقنا بأنَّ الكلّ أعـظم مـن الجـزء، وبأنَّ النقيضين لا يجتمعان، وبأنَّ الشمس طالعـة، وأنَّ الواحد نصف الاثنين.

٢ـ و النظري؛ وهـو ما يحتاج حصوله إلى كسب ونظر وفكر، كتصوُّرنا لحـقيقـة الروح والكـهرباء، وكـتصديقنا بأنّ الأرض ساكنـة أو متحركـة حول نفسها وحول الشمس؛ ويسمّى أيضاً الكسبي.

تعريف النظر أو الفكر

النظر أو الفكر هـو «اجراء عـمليـة عـقليـة فـي المـعلومات الحاضرة لأجل الوصول إلى المطلوب». والمطلوب هـو العـلم بالمجهول الغائب. وبتعبير آخر أدق انّ الفكر هـو:

«حركـة العقل بين المعلوم والمجهول».

وتمرُّ على العقلِ عند مـواجـهـة المشكـل (المـجهول) فـي تفكيره خمسةُ أدوار:

١ـ مواجهـة المشكل (المجهول).

٢ـ معرفـة نوع المشكل، فقد يواجه المشكل ولا يعرف نوعه.

٣ـ حركـة العقل من المشكل إلى المعلومات المخزونـة عنده.

٤ـ حركـة العـقل ـ ثـانياً ـ بـين المـعلومات، للـفحص عـنها وتأليف ما يناسب المشكل ويصلح لحلّه.

٥ـ حركـة العقل ـ ثالثاً ـ من المعلوم الذى استطاع تأليفه ممّا عنده إلى المطلوب.

وهذه الأدوار الثلاثـة الأخيرة أو الحركات الثلاث هي الفكر أو النظر، وهذا معنى حركـة العقل بين المعلوم والمجهول.

خلاصــة تقسيم العلم

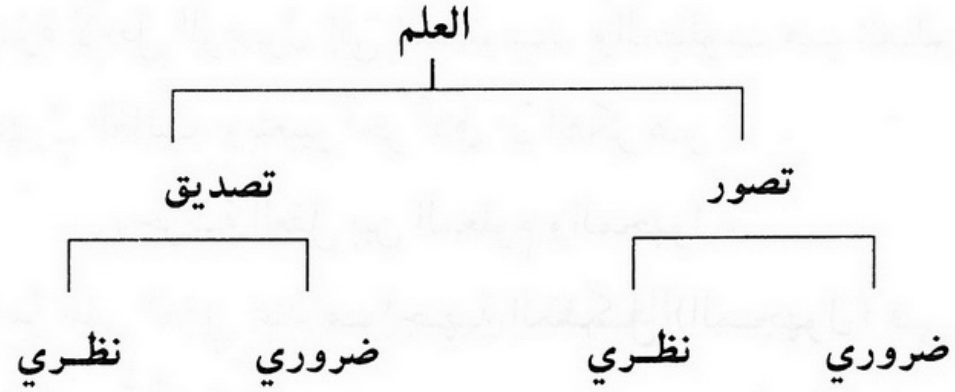

الباب الأوّل

مباحث الألفاظ

الدلالـة

تعريف الدلالـة

إذا سمعت طرقـة بابك ينتقل ذهنك ـ لا شك ـ إلى أنّ شـخصاً على الباب يدعوك. وليس ذلك إلاّ لأنّ هذه الطرقـة كشفت عن وجود شخص يدعوك. وان شئت قلت: انّها دلت على وجوده.

اذن، طرقـة الباب **دالّ**، و وجود الشخص الداعـي **مـدلولَ**، وهذه الصفـة التي حصلت للطرقـة **دلالـة**.

وهكذا، كلّ شيء إذا علمت بوجوده، فينتقل ذهنك منه إلى وجود شيء آخر نسـميه دالاً، والشـيء الآخـر مـدلولاً، وهـذه الصفـة التي حصلت له دلالـة.

فيتضح من ذلك انّ الدلالة هي: «كون الشيء بحالة إذا علمت بوجوده انتقل ذهنك إلى وجود شيء آخر».

أقسام الدلالة

لاشك أنّ انتقال الذّهن من شيء إلى شيء لا يكون بلا سبب، وليس السبب إلاّ رسوخ العلاقة بين الشيئين في الذّهن، وهذه العلاقة الذهنية أيضاً لها سبب. وسببها العلم بالملازمة بين الشيئين خارج الذهن. ولاختلاف هذه الملازمة، من كونها ذاتية أو طبعية أو بوضع واضع وجعل جاعل، قسّموا الدلالة إلى أقسام ثلاثة: عقلية وطبعية و وضعية.

١ـ **الدلالة العقلية:** وهي فيما إذا كان بين الدال والمدلول ملازمة ذاتية في وجودهما الخارجي، كالأثر والمؤثر.

٢ـ **الدلالة الطبعية:** وهي فيما إذا كانت الملازمة بين الشيئين ملازمة طبعية، أعني يقتضيها طبع الإنسان. وأمثلة ذلك كثيرة، فمنها اقتضاء طبع الناس أن يقول: آخ عندَ الحس بالألم، و آه عند التوجع، و اف عند التأسف والتضجر.

٣ـ **الدلالة الوضعية:** وهي فيما إذا كانت الملازمة بين

الشيئين تنشأ من التواضع والاصطلاح على أنّ وجود أحدهما يكون دليلاً على وجود الثانى، كالخطوط التي اصطلح على أن تكون دليلاً على الألفاظ.

أقسام الدلالة الوضعية

وهذه الدلالة الوضعية تنقسم إلى قسمين:

أ ـ الدلالة اللفظية: إذا كان الدال الموضوع لفظاً.

ب ـ الدلالة غير اللفظية: إذا كان الدال الموضوع غير لفظ، كالاشارات والخطوط.

الدلالة اللفظية

تعريفها

الدلالة اللفظية: «هي كون اللفظ بحالة ينشأ من العلم بصدوره من المتكلِّم العلم بالمعنى المقصود به».

أقسامها

الدلالة اللفظية على ثلاثة أقسام: المطابقية، والتضمنية،

والالتزامية. توضيح ذلك انّ اللفظ يدلّ على المعنى من ثلاثة أوجه متباينة:

الوجه الأوّل: المطابقة؛ بأن يدلّ اللفظ على تمام معناه الموضوع له ويطابقه، كدلالة لفظ الكتاب على تمام معناه، فيدخل فيه جميع أوراقه وما فيه من نقوش وغلاف. وتسمىٰ الدلالة حينئذ **المطابقية** أو **التطابقية**، لتطابق اللفظ والمعنى.

الوجه الثاني: التضمن؛ بأن يدلّ اللفظ على جزء معناه الموضوع له الداخل ذلك الجزء في ضمنه، كدلالة لفظ الكتاب على الورق وحده أو الغلاف. فلو بعتَ الكتاب يفهم المشتري دخول الغلاف فيه. وتسمى هذه الدلالة **التضمنية**.

الوجه الثالث: الالتزام؛ بأنْ يدلّ اللفظ على معنى خارج عن معناه الموضوع له لازم له يستتبعه استتباع الرفيق اللازم الخارج من ذاته، كدلالة لفظ الدواة على القلم. وتسمى هذه الدلالة **الالتزامية**.

شرط الدلالة الالتزامية

يشترط في هذه الدلالة أن يكون التلازم بين معنى اللفظ

والمعنى الخارج اللازم تلازماً ذهنياً، فلا يكفي التلازم في الخارج فقط من دون رسوخه في الذهن، و إلاّ لما حصل انتقال الذّهن.

ويشترط، أيضاً، أن يكون التلازم واضحاً بيّناً، بمعنى أنّ الذّهن إذا تصوَّر معنى اللفظ ينتقل إلى لازمه بدون حاجة إلى توسط شيء آخر.

الخلاصة

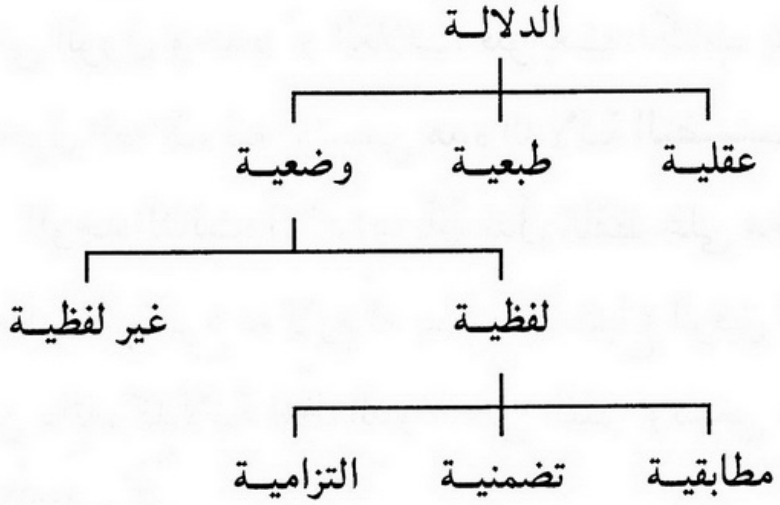

تمرينات

١ـ بيّن أنواع الدلالة فيما يأتي:

أـ دلالة عقرب الساعة على الوقت.

ب ـ دلالـة صوت السعال على ألم الصدر.

ج ـ دلالـة قيام الجالسين على احترام القادم.

د ـ دلالـة حمرة الوجه على الخجل و صفوته على الوجل.

هـ ـ دلالـة حركـة رأس المسؤول الى الاسفل على الرضا والى الاعلى على عدم الرضا.

٢ـ اصنع جدولاً للدلالات الثلاث (العقليـة و اختيها) وضع في كـل قسم ما يدخل فيه من الامثلـة الآتيـة:

أ ـ دلالـة الصعود على السطح على وجود السلم.

ب ـ دلالـة فقدان حاجتک على أخذ سارق لها.

ج ـ دلالـة الانين على الشعور بالالم.

د ـ دلالـة كثرة الكلام على الطيش و قلته على الرزانـة.

هـ ـ دلالـة الخط على وجود الكاتب.

و ـ دلالـة سرعـة النبض على الحمى.

ز ـ دلالـة صوت المؤذن على دخول وقت الصلاة.

٣ـ عيّن اقسام الدلالـة اللفظيـة من الامثلـة الآتيـة:

أ ـ دلالـة لفظ الكلمـة على (القول المفرد).

ب ـ دلالـة لفظ الكلمـة على (القول) وحده أو (المفرد) وحده.

ج ـ دلالـة لفظ السقف على الجدار.

د ـ دلالـة لفظ الشجرة على ثمرتها.

هـ ـ دلالـة لفظ السيارة على محركها.

و ـ دلالـة لفظ الدار على غرفها.

ز ـ دلالـة لفظ النخلـة على الطريق اليها عند بيعها.

أنواع اللفظ

إنّ اللفظ الواحد إذا نسب إلى معناه، فهو على أقسام خمسـة:

١ـ المختص : و هـو اللـفظ الذي ليس له إلاّ مـعنى واحـد فاختص به، مثل حديد و حيوان.

٢ـ المشترك : و هـو اللفظ الذي تعدد معناه وقد وضع للجميع كلاً على حدة، ولكن من دون أن يسبق وضـعه لبـعضها عـلى وضعه للآخر؛ مثل «عين» الموضوع لحاسـة النظر و ينبوع الماء و الذهب وغيرها، ومثل «الجون» الموضوع للأسود والأبـيض. والمشترك كثير في اللغـة العربيـة.

٣ـ المنقول : و هـو اللـفظ الذي تـعدد مـعناه وقـد وضـع للجميع، كالمشترك، ولكن يفترق عنه بأنّ الوضع لأحدها مسبوق بالوضع للآخر مع ملاحظـة المناسبـة بين المعنيين فـي الوضـع اللاحق، مثل لفظ الصلاة الموضوع أوّلاً للـدعاء ثـم نـقل فـي الشرع الإسلامي لهذه الأفعال المـخصوصـة مـن قـيام وركـوع

وسجود ونحوها لمناسبتها للمعنى الأوّل.

٤ـ المرتجل : و هـو كالمنقول بلا فرق إلاّ أنّه لم تلحظ فـيه المناسبـة بين المعنيين، ومنه أكثر الأعلام الشخصيـة.

٥ـ الحقيقـة والمجاز : و هـو اللفظ الذي تعدَّد معناه، ولكنَّه موضوع لا حد المـعاني فـقط، واسـتعمل فـي غـيره ـ لعـلاقـة ومناسبـة بينه وبين المعنى الأوّل الموضوع له ـ من دون أن يبلغ حدَّ الوضع في المعنى الثاني، فيسمى حقيقـة فى المعنى الأوّل، و مجازاً في الثاني، ويقال للمعنى الأوّل مـعنى حـقيقي، وللـثاني مجازي.

الخلاصـة

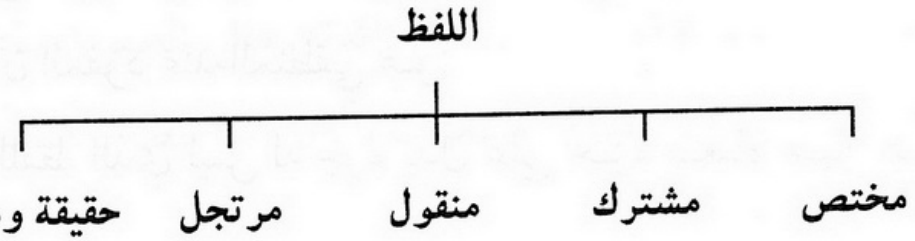

تمرينات

١ـ هذه الالفاظ المستعملـة فى هذا الباب (مختص، مشترک، مـنقول، الى آخره) من أي اقسام اللفظ الواحد؟ أي انها مختصـة او مشتركـة او غيرذلک.

٢ـ اذكر ثلاثة امثلة لكل من اقسام اللفظ الواحد الخمسة.

٣ـ كيف تميز بين المشترك و المنقول؟

المفرد والمركب

ينقسم اللفظ باعتبار دلالته على معناه إلى قسمين:

أ ـ **المفرد.** ويقصد المنطقيون به:

أوّلاً: اللفظ الذي لا جزء له، مثل الباء من قولك: كتبت بالقلم، و «ق» فعل أمر من وقى يقي.

ثانياً: اللفظ الذي له جزء إلاّ أنّ جزء اللفظ لا يدلّ على جزء المعنى حين هو جزء له، مثل: محمد، علي، قرأ.

اذن المفرد عند المنطقي هو:

«اللفظ الذي ليس له جزء يدلّ على جزء معناه حين هو جزء».

والمفرد على ثلاثة أقسام:

١ـ **الاسم**، مثل: قلم، مدرسة.

٢ـ **الكلمة**، مثل: خرج و يدخل. وهي الفعل في علم النحو.

٣ـ **الأداة**، مثل: في و عن. وهي الحرف في علم النحو.

ب ـ المركب: ويسمى القول. وهو اللفظ الذي له جزء يدل على جزء معناه حين هو جزء، مثل **الخمر مضر**، فالجزءان: **الخمر**، و **مضر** يدلُّ كلٌّ منهما على جزء معنى المركب.

أقسام المركب

المركب: تام وناقص.

التام: خبر وانشاء.

أ ـ التام والناقص

بعض المركبات للمتكلِّم أن يكتفي به في افادة السامع، والسامع لا ينتظر منه اضافة لفظ آخر لاتمام فائدته، مثل: الصبر شجاعة. فهذا هو المركب التام. ويعرَّف بأنَّه: «ما يصح للمتكلِّم السكوت عليه».

أمّا إذا قال: «الصبر ....» وسكت، فانّ السامع يبقى منتظراً ويجده ناقصاً، حتى يتم كلامه، فمثل هذا يسمى المركب الناقص. ويعرَّف بأنَّه: «ما لا يصح السكوت عليه».

* * *

ب ـ الخبر والانشاء

الخبر هو: «المركب التام الذي يصح أن نصفه بالصدق أوالكذب»؛ مثل: زيد قائمٌ.

الانشاء هو: «المركب التام الذي لا يصح أن نصفه بالصدق أو الكذب»؛ مثل: احفظ الدرس، لا تجالس دعاة السوء.

الخلاصة

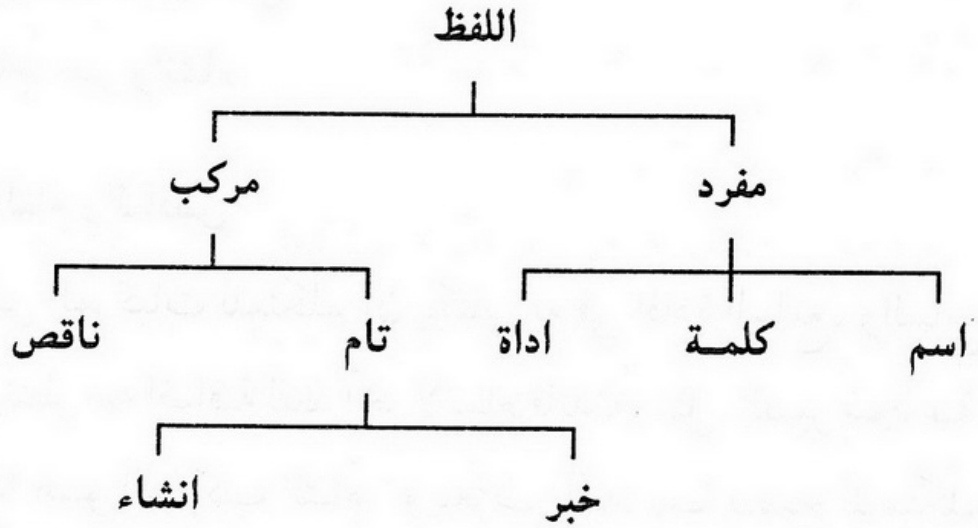

تمرينات

١ـ ميزالالفاظ المفردة و المركبة مما يأتى:

المدينة المنوّرة	عبدالله
محمدالباقر	ابوالقاسم
رئيس الجمهورية	منتدى النشر
اجلس	عاصمة

٢ـ ميز المركبات التامـة و الناقصـة و الخبر و الانشاء مما يأتي:

جاء حسن	إن يجئ
إن ينزل المطر	ما اعظم خطر الانسان
اشتريت الكتاب	ياعلى
حذّر حسيناً	هل المريخ مسكون؟

٣ـ اذكر كم هى الانشاءات فى سورةالضحى؟

صناعــة الشعر

تعريف الشعر

الشعر كلام مخيل مؤلف من أقوال موزونـة متساويـة مقفاة.

ومن هذا التعريف يعلم انّ مبادئ الشعر هي المخيلات.

وقلنا: متساويـة، لأنّ مجرّد الوزن من دون تساو بين الأبيات ومصارعها فيه لا يكون له ذلك التأثير إذ يفقد مزيـة النظام فيفقد تأثيره. فتكرار الوزن على تفعيلات متساويـة هـو الذي له الأثـر في انفعال النفوس.

فائدته

إنّ للشعر نفعاً كبيراً فى حياتنا الاجتماعيـة. ويمكن تلخيص أهم